

و موضع "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" به امر خطیر تشکل یابی کارگران

هیوا سردمد

۱ اسفند ۱۳۸۹

حادثه دلخراش و فاجعه بار ایران خودرو و جان باختن و زخمی شدن تعدادی از کارگران این کارخانه ، موج خشم و نفرت کارگران را نسبت به بهره کشی عریان و بی رحمانه سرمایه ، در مقابله با کارگران برانگیخت و موجب انزجار و تنفر وسیع و گسترده کارگران ، در رو در رویی با عوامل ستمگری و بی حقوقی کارگران در کارخانه شد . قطعاً یکی از این عوامل و تحقیقاتاً مهم ترین آن ها در شرایط حاضر ، " نجم الدین " مدیر عامل شرکت ایران خودرو بود که در قبال خشم و عصیان چند هزار کارگر کارخانه ، ناچار به پاسخ گویی شد و تلاش کرد تا حتی المقدور کارگران را آرام کند . کارگران که در فردای آن روز در داخل کارخانه جمع شده بودند ، ضمن اعتراض شدید به بی تفاوتی عوامل سرمایه ، از جمله نجم الدین ، مدیر عامل کارخانه ، نسبت به زندگی و سرنوشت کارگران و جان و مال آنان ، خواست های خود را در ۲۷ بند تنظیم نموده و آن ها را با صدایی رسا فریاد زدند و در مقابل چشمان بهت زده این گماشته سرمایه ، خواستار تحقق فوری آن ها شدند .

مرگ دلخراش ۵ تن از کارگران و زخمی شدن بیش از ۱۳ تن از آنان ، که جز کار و تولید و ایجاد ثروت و رفاه و نعمت و آسایش و پاسخگویی به نیازهای جوامع بشری گناه دیگری نداشتند ، همه وجدان های بیدار ، به ویژه وجدان کارگران کارخانه را که در جلوی چشمان خود تعدادی از دوستان و همکارانشان را به شکل درد آوری اذ دست داده بودند به شدت جریحه دار کرده و بار دیگر کارگران را به تفکر و اندیشیدن در خصوص وضعیت این طبقه و بی حقوقی های مطلق آن واداشته است :

این چه وضعیتی است که کارگران را از همه لحاظ و از هر طرف احاطه کرده است ؟ کارگران چرا باید خود تولید کننده همه امکانات و رفاه و آسایش در جوامع انسانی باشند ، اما از هر آنچه که بوی رفاه و آسایش در جامعه می دهد بی بهره و محروم گردند ؟ چرا پاسخگویی به همه احتیاجات و نیازهای بشری برعهده کارگران گذاشته می شود ، اما درخواست حتی ابتدایی ترین نیازهای این طبقه ، همواره با بی تفاوتی و تحقیر و سرکوب و . . . پاسخ می گیرد ؟ در پی سود جویی های پایان ناپذیر و فزاینده سرمایه داران ، با شدت و حدت هرچه تمام تر به کار گرفته می شوند ، اما دستمزدهای به مراتب زیر خط فقر نصیب آنان می گردد و مضحک اینکه حتی همان دستمزدهای آشکارا زیر خط فقر نیز از جانب عوامل و کارگزاران سرمایه ، برای ماه ها و سال های متمادی از آن ها دریغ می گردد و حتی گاه ، اساساً پرداخت نمی شود ؛ قرار دادهای اسارت آور کار با نام " قرار دادهای موقت و سفید امضا " به آن ها تحمیل می شود ؛ تنها با یک اشاره کارفرما ، از کارخانه و محل کار خود اخراج می شوند و به برهوت بی کاری و فقر و خانه خرابی و دربدری و . . . پرتاب می گردند ؛ همه حقوقشان توسط سرمایه داران و گماشتگان آن ها پایمال می شود ؛ حق ایجاد تشکل از آن ها گرفته می شود ؛ نباید برای تأمین خواست ها و مطالبات برحق و انسانی خود اعتصاب کنند ؛ حق گرد هم آبی و تحصن و تجمع و راهپیمایی و . . . را ندارند ؛ حق انتشار آزادانه کتاب و نشریه و بیان و حتی اندیشه از آنان گرفته شده است ؛ نمی توانند مثل بسیاری از کشورهای دیگر مراسم جهانی روز کارگر را برگزار کنند و مشکلات ، آمال و آرزوهای خود را در آن به هم اندیشی بنشینند و . . . و در صورتی هم که به هر یک از آن موارد و ستمگری های آشکار و بی پرده اعتراض کنند ، چیزی جز تهدید و ارعاب و بازداشت و شلاق و زندان ، انتظارشان را نمی کشد !

تا کی باید چنین وقایعی در کارخانه اتفاق بیفتند ؟ مسئولیت تمامی این مصائب و سیه روزی ها با کیست ؟ کارگران در راستای تأمین منافع و ترفیع مقام و اعتبار چه کس یا کسانی ، باید حتی در یک روز تعطیل ، به اجبار بر سر کارهای خود حاضر شوند و ناباورانه به قربانگاه سرمایه بروند ؟

این ها و بسیاری دیگر، تماماً پرسش هایی بود که یکبار دیگر پس از این فاجعه هولناک ، ذهن و فکر کارگران ، به ویژه کارگران آگاه و پیشرو را به خود مشغول کرده و آنان را به تفکر در این زمینه ها و موارد واداشت . در واقع با یک چنین ذهنیتی و در یک چنین فضایی بود که کارگران برخی از پرسش های خود را همراه با شماری از خواست ها و مطالبات خویش ، در ارتباط با حادثه اخیر کارخانه ، مثل " آزادی فوری دستگیر شدگان ؛ خروج نیروهای سرکوبگر از شرکت ؛ برگزاری انتخابات آزاد برای ایجاد تشکل کارگری، بدون دخالت نهادهای امنیتی و دولت ؛ (همه جا تأکید از من است ، مگر اینکه مورد آن ذکر شود) تشکیل کمیته ایمنی با حضور نمایندگان کارگران ، تشکیل کمیته حقیقت یاب برای موارد ایمنی و . . . " در بندهایی تنظیم نموده و جهت دریافت پاسخ به نجم الدین ، مدیرعامل شرکت ارائه دادند . نجم الدین ، که خود را در مقابل چند هزار کارگر خشمگین و معترض می دید ، در واقع برای فرونشاندن خشم و نفرت کارگران ، و آرام کردنشان ، در برخوردی کاملاً نقشه مند و حساب شده ، به عقب نشینی ای تاکتیکی دست زد و ضمن اعلام موافقت با پاره ای از خواست ها و مطالبات کارگران ، وعده ایجاد یک تشکل کارگری را در قالب " شورای اسلامی کار " برای شش ماه آینده ، به کارگران می دهد . !!! بزک نمیر بهار میاد / کمیژه با خیار میاد ."

نجم الدین ، البته همزمان با این وعده و وعید ها ، کارهای دیگری نیز در ارتباط با ختم ماجرا و منصرف کردن کارگران از پیگیری مسئله انجام داد . بدین نحو که نیروهای به اصطلاح ضد شورش را به کارخانه فرا خواند تا در کنار وعده های سرخرمن داده شده به کارگران معترض ، در عین حال سرکوب آنان را نیز در دستور کار داشته باشد ؛ درهای کارخانه را به روی کارگران بست و از ورود آن ها به کارخانه جلوگیری کرد و به رانندگان سرویس هایی که کارگران را در شیفیت صبح به کارخانه می آورند دستور داد آن ها را به خانه هایشان باز گردانند ، تا کارگران نتوانند دور هم جمع شوند و به طور جدی مسئله را پیگیری و علت یابی کنند .

*

با این همه تا این جای کار نیز ، اتفاق مهمی در حال وقوع بود . حادثه فاجعه بار کشتار کارگران با همه سنگینی و رقت بار بودن خود ، موجب شده بود که چند هزار کارگر ، در یکی از بزرگ ترین شرکت ها و کارخانه های کشور، دور هم جمع شوند و بار دیگر برای حل مشکلات و رفع محرومیت ها و بی حقوقی های گسترده و مفرط خویش ، به تفکر بنشینند و آن ها را چاره اندیشی کنند . آنان از جمله فقدان یک تشکل استخوان دار و مستقل کارگری را که ساخته و پرداخته دست خود کارگران باشد و بتواند توده های کارگر را برای احقاق حقوق مسلم خویش ، در همه عرصه ها متشکل و متحد کند، به مثابه یکی از علل و اسباب این بی حقوقی و محرومیت ، برجسته نموده ، آن را در لیست خواست ها و مطالبات مورد نظر خود گنجانند . و این ، تا همین جا نیز ، رویداد کوچکی تلقی نمی شد . مشروط بر اینکه کارگران آن را با جدیت پی گیری کرده و در یکی از بهترین شرایط به دست آمده در سال های اخیر ، با اتکا به نیرو و توانایی های کارگری فراوان خویش - و نه با کسب اجازه از امثال نجم الدین ها - با قدرت به کرسی بنشانند . سال های مدیدی است که کارگران، به ویژه در شرکت ها و کارخانه های عظیمی چون ایران خودرو تشکل کارگری مستقل - تشکلی که از پایین و توسط خود کارگران ایجاد شده باشد و به درد آن ها بخورد - ندارند و معدود تشکل های ایجاد شده در برخی از کارخانه ها و شرکت ها ، مثل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و شرکت نیشکر هفت تپه، که با همت و عزم و اراده خود کارگران ایجاد شده است ، بدون عقبه مانده اند و از پشتوانه لازم برای ادامه کاری و پیگیری مسائل در ابعادی گسترده برخوردار نیستند . ایجاد تشکلی کارگری و مستقل - مستقل از دولت و کارفرمایان و همچنین نهاد ها و ارگان های ریز و درشت سرمایه - تشکلی که با پشتوانه بیش از سی هزار کارگر و با اتکا به قدرت و توانایی های بالفعل کارگران تشکیل شده باشد و فعالیت ها و مبارزات آنان را متشکل و هماهنگ نماید ، می تواند تحولی در امر تشکل یابی کارگران ایجاد نماید و به سهم خود ، در اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران و ارتباط هر چه بیشتر آن ها با یکدیگر، مفید و مؤثر واقع شود . لذا کارگران با آگاهی از این مسئله و اهمیت آن ، به درستی این خواست را به عنوان یکی از مهمترین خواست ها و مطالبات خویش ، در این برهه از زمان و این اوضاع و احوال ، طرح نموده ، اما به جای مهیا نمودن مقدمات کار برای برگزاری مجمع و انتخاب نمایندگان ، جهت ایجاد قدرتمندانه تشکل (مثل شرکت واحد و شرکت نیشکر هفت تپه) با اتکا به توانایی های بالفعل و عظیم کارگران ، آن را در لیست تقاضا ها و مطالبات خود گنجانده و برای تحقق و به مرحله اجرا گذاشتن آن ها ، تحویل نجم الدین ، مدیرعامل شرکت دادند و از او خواستند که به ویژه به این خواست

کارگران توجه ویژه داشته باشد. و نجم الدین هم، به عنوان مدیرعامل شرکت، به عکس العملی دست زد که از یک عامل سرسپرده و دور اندیش سرمایه، به ویژه در آن روزها و لحظات انتظار می رود. نجم الدین در واقع با پذیرش ظاهری خواست ها و مطالبات کارگران، در اجتماع چند هزار نفره آنان و وعده تشکیل آن در قالب "شورای اسلامی کار" برای شش ماه آینده، در واقع تقاضای کارگران را در یکی از مهم ترین یخس آن بی پاسخ گذاشت و عملاً کارگران را "به دنبال نخود سیاه فرستاد". تا شاید که گذشت زمان، خود آب سردی باشد بر شعله های خشم و نفرت کارگران، جهت پیگیری مسئله و زیر سؤال بردن و به محاکمه کشاندن احتمالی عاملان و مسببین اصلی سرکوب و بی حقوقی این طبقه در کارخانه و کشتار فاجعه بار اخیر آن.

*

این مسئله برای بسیاری از کارگران، به ویژه کارگران آگاه و پیشرو قابل هضم و پذیرش نبود و به نوبه خود بر خشم و تنفر آنان افزود. کارگران در قبال این فاجعه و تمامی بی حقوقی ها و محرومیت های خویش، خواست ها و مطالباتی دارند که سرمایه و عوامل آن حتی در یک چنین شرایطی بدان تن در نمی دهند و از پاسخگویی به آن اجتناب می کنند. و اکنون این پاسخ مدیریت کارخانه بود: با بعضی از آن خواست ها از جمله ایجاد تشکل موافقت می شود، اما در قالب "شورای اسلامی کار" و برای شش ماه دیگر!!!

کارگران آگاه، به همراه بسیاری از تشکل ها و فعالین کارگری، این موضع نجم الدین و در حقیقت شارلاتانیسم او را، دایر بر جایگزینی تشکل شورایی مورد نظر کارگران با "شورای اسلامی کار" و دادن وعده سرخرمن به کارگران این کارخانه، افشا نموده و بعضاً از هم طبقه ای های خود خواسته اند که فریب این عامل سرمایه و حرف های او را نخورند و برای به مرحله اجرا درآوردن این خواست مهم کارگری (ایجاد تشکل) و تحقق فوری آن، به ویژه در این مقطع زمانی اقدام نمایند. به عنوان مثال "جمعی از کارگران ایران خودرو" طی بیانیه ای، ضمن طرح برخی از خواست ها و مطالبات کارگری - که ایجاد تشکل "غیردولتی و غیر کارفرمایی کارگران" از مهم ترین موارد آن است، در پاسخ به حقه بازی مدیر عامل کارخانه خطاب به کارگران اعلام می کنند که: "ما فریب حرف های سرخرمن مسئولان را نمی خوریم". "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" نیز طی اطلاعیه ای از کارگران ایران خودرو می خواهد که به فریبکاری نجم الدین توجه نکنند و "برای اینکه بتوانند تشکلی ایجاد کنند که پیگیر خواست ها و مطالبات آن ها باشد، باید به نیروی خود باور داشته باشند و به آن تکیه کنند و با اراده و تصمیم خود بدون اینکه اجازه دهند که عوامل سرمایه و حامیان آن ها، در کار تشکل یابی کارگران دخالت کنند، دست به ایجاد تشکل مورد نظر خود بزنند". دیگر تشکل ها و فعالان کارگری نیز، هر یک، ضمن مخالفت با موضع گیری ریاکارانه نجم الدین، افشای فریبکاری مدیر عامل کارخانه و موضع ارتجاعی این عامل سرمایه را در این زمینه، به باد انتقاد گرفته و کارگران را از افتادن در چنین دامی برحذر می دارند.

اما موضع "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" اساساً با مواضع کارگران آگاه و پیشرو و سایر جریانات و فعالین کارگری متفاوت است. این "کمیته" در اطلاعیه خود که چند روز بعد از این واقعه، با عنوان "موافقت مدیر عامل ایران خودرو با خواست کارگران برای ایجاد تشکل" انتشار داد با توجیهاتی بغایت ساده لوحانه و در عین حال راست و رفرمیستی، در واقع به تأیید موضع نجم الدین در خصوص ایجاد "شورای اسلامی کار" می پردازد و دودوزه بازی و شارلاتانیسم این عامل سرمایه در کارخانه را برای فریب و به کژراهه بردن اهداف و خواست های مورد نظر کارگران، دستاوردی مهم برای کارگران و جتیش کارگری قلمداد می کند و "برگ برنده ای در دست های کارگران" می داند.

"کمیته هماهنگی برای ایجاد...". "همچنین به کارگران معترضی که قضیه را پی گیری می کنند و از پاسخ نجم الدین، سخت برآشفته و ناراضی هستند توصیه می کند که: سخت نگیرند و فرصت را غنیمت بشمارند! چرا که "مدیر عامل با خواست کارگران موافقت کرده است"!!! و "اکنون برگ برنده در دست کارگران است"!!! (واقعاً موافقت کرده است؟ و واقعاً اکنون برگ برنده ای در دست کارگران قرار دارد؟ ما از این به اصطلاح کمیته کارگری می پرسیم که: دلیل شما برای این ادعاها چیست؟ اینکه نجم الدین در پیشگاه چند هزار کارگر خشمگین و عصبانی، با درک موقعیت و در برخوردی بسیار حساب شده و نقشه مند،

صرفاً در حد یک ادعا و نه هیچ چیز دیگر ، با برخی از خواست های کارگران موافقت کرده است ؟ آن برگ برنده ای که می گویند همین است ؟ معلوم می شود که شما زیاد از حد دچار توهم و زودباوری هستید . البته اگر بتوان تمامی این قبیل موضع گیری ها و این قبیل توصیه ها را تنها به حساب ساده لوحی و زودباوری این " کمیته " و نه تزلزلات راست روانه و عمیقاً رفرمیستی این افراد و جریانات گذاشت) اطلاعیه نویس این " کمیته " ادامه می دهد : " مهم نیست که اسم آن شورای اسلامی کار باشد و یا چیزی دیگر " !!! . . . " شما می توانید از این فرصت استفاده کنید و آنچه را که از شورای واقعی کارگری ، مورد نظر دارید ، در عمل پیاده کنید ! (!!!؟) و این دیگر اوج ساده لوحی و سطحی نگری و در عین حال عمق اپورتونیسیم و فرصت طلبی این " کمیته " و نوع نگاه و برداشت نویسنده این اطلاعیه را از " شورا های واقعی کارگری " ، به مثابه عالی ترین شکل تشکل یابی کارگران و در واقع ارگان اعمال قدرت و اراده این طبقه ، در هر مؤسسه و کارخانه ، تا کسب قدرت سیاسی ، به نمایش می گذارد. از نظر این " کمیته " و نویسنده اطلاعیه مورد بحث ، کارگران می توانند مجوز " شورای اسلامی کار " بگیرند اما " آنچه را که از شوراهای واقعی کارگری ، مورد نظر دارند در عمل پیاده کنند " !!!؟ و ما اضافه می کنیم : مشروط بر اینکه امثال نجم الدین ها ، یا به قول شما " مزدوران سرمایه " و حراست و مقامات امنیتی کارخانه و . . . برای مدت های مدیدی در خواب خرگوشی فرورفته باشند و یا در همراهی و همکاری " ضدسرمایه داری " با کارگران ، چشم خود را به روی همه کارها و اقدامات رادیکال و ضدسرمایه داری آنان در این " شورا " ، ببندند و در واقع کاری به کار آنان نداشته باشند .!!! و . . .) وقتی می گوئیم که این جریان و به ویژه نویسنده اطلاعیه مورد نظر ، سخت دچار توهم و ساده لوحی و مضاف بر همه این ها ، تزلزلات رفرمیستی و راست روانه است یعنی همین . " کمیته هماهنگی برای ایجاد . . . " در پایان این اطلاعیه کمیک و سرشار از تناقض " به سهم خود ، برای کارگران ایران خودرو ، در استفاده از این فرصت ، آرزوی موفقیت می کند " .!!! (همه جا تأکید از ماست)

*

حال ، کارگران و به ویژه کارگران شرکت واحد و نیشکر هفت تپه ، حق دارند از این " کمیته " و نویسنده اطلاعیه مورد نظر بپرسند که : آیا کارگران - و در این جا کارگران ایران خودرو - فقط و فقط می توانند و باید از این نوع تشکل ها (" شورای اسلامی کار ") برای پیشبرد اهداف و برنامه های خود ، و یا " آنچه مورد نظر دارند " (جایگزین کردن " شورای اسلامی کار " با شوراهای واقعی کارگران ، به اصطلاح از درون ؟!!!) استفاده کنند ؟ و یا اینکه می توانند به اصطلاح از اینگونه " تاکتیک ها " و ترفندها ، در رابطه با انواع دیگر تشکل های کارگری ، مثلاً سندیکا نیز استفاده نمایند و در واقع ترفندهای مورد نظر خود را در آن جا ها هم " پیاده نمایند . " ؟ به عبارت دیگر ، از نظر این " کمیته " و نویسنده اطلاعیه مورد نظر ، تنها این نوع تشکل (" شورای اسلامی کار ") قابلیت این گونه " فرصت طلبی ها را به کارگران می دهد ، و یا اینکه " کارگران می توانند از انواع دیگر آن ، مثل سندیکا نیز برای اعمال این قبیل فرصت طلبی ها استفاده کنند ؟ و در این صورت ، آیا شما برای آن ها هم " آرزوی موفقیت می کنید " ؟ و یا اینکه با جملات و عبارات مطمئنی چون : " کارگران به تشکل هایی احتیاج دارند که قدرت مبارزه آنان را علیه سرمایه داری ، در تیر کند و به قلب سرمایه شلیک نماید . . . سندیکا که جای این کارها نیست . " و یا : " جنبش سندیکایی حتی در عالی ترین شکل خود ، (!!!؟) قرار است طوق بردگی مزدی را بر دست و پای کارگران محکم سازد و از شکل گیری و سازمانیابی هر نوع اعتراض ضدسرمایه داری کارگران جلوگیری به عمل آورد . " و جملات و عباراتی از این دست ، آن هم در حساس ترین لحظات مبارزه کارگران با عوامل سرمایه ، (اگر شده حتی برای به کرسی نشاندن و باز پس گیری حقوق اولیه معیشتی خود در هفت تپه و شرکت واحد و . . . ، از چنگال قدرت سرمایه - چرا که نه ؟ مگر شما و به ویژه شما ، حتی این حد از مبارزه را ، مبارزه ضدسرمایه داری نمی دانید ؟ -) در ارتقاء آن مبارزات " برای استفاده از فرصت ها " ، جهت تعمیق و گسترش آن ها ، تا مبارزات ضدسرمایه داری ، کارشکنی و اخلال می کنید ؟ داستان یک بام و دو هوا را شنیده اید ؟

شما اعتقاد دارید که : " سندیکاها حتی در عالی ترین شکل خود برای به کجراه بردن مبارزات کارگران درست می شوند . " !!!؟ و " آن ها اساساً تشکیل می شوند ، تا مبارزات کارگران را به سازش بکشانند . " !! و . . . اما مگر " شوراهای اسلامی کار " به طریق اولی این گونه نیستند ؟ مگر از نظر شما " شورا های اسلامی کار ، به مثابه تشکل هایی دولتی نبوده اند که دیگر افشا شده اند و قادر به

فریب توده های کارگر نیستند". پس چرا به این فریب کاری تن در می دهید و وقتی با این دو پدیده، در عالم واقع روبرو می شوید (لااقل در شرایط موجود) به نحوی از انحاء از دومی ("شورا...") حمایت می کنید و شرکت کارگران در آن را راه گشای مسئله تشکل یابی این طبقه در این برهه از زمان می دانید و به آنان توصیه می کنید که: "از این فرصت استفاده کنند و آنچه را که از شورای واقعی کارگری مورد نظر دارند، در عمل پیاده نمایند"؟ اما در برخورد به مثلاً سندیکا، از کارگران می خواهید که همچون "غول از بسم الله" از آن فراری باشند و حتی به آن ها نزدیک هم نشوند؟ مگر شما به نقل از "هوشنگ درویش، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کشور و نماینده متعهد و مکتبی و مسئول نظام سرمایه داری" نمی گفتید که: "... مغایرتی میان شوراهای اسلامی کار از یک سو و انجمن های صنفی و سندیکاهای در حال تأسیس از سوی دیگر نمی بینید". "و" تا آنجا که به یکسانی نقش سندیکا و شورای اسلامی کار مربوط می شود، حق با رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار است. اما ایشان یک نکته مهم را نادیده گرفته و آن این است که شورای اسلامی کار هر چه باشد یک تشکل «خودی» است و نه تنها سرکوب نمی شود بلکه مورد قبول و توصیه سرمایه داری حاکم و دولت آن است. درحالی که سندیکا نه تنها بخت و اقبال «خودی» بودن را ندارد بلکه به علت «غیرخودی» بودن سرکوب هم می شود.

(یکسانی سندیکا و شورای اسلامی کار، از نظر رئیس این شورا - کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری - ۹ آبان ۸۷) حال چه شده است که به ناگهان طرفدار ایجاد "شورای اسلامی کار" شده اید؟ نکند "خدای نا کرده" همان "یک نکته مهم" که آقای درویش، نادیده گرفته بود شما را وسوسه کرده و موجب تزلزل شما در موضع گیری اخیرتان شده است: "... شورای اسلامی کار هر چه باشد، یک تشکل < خودی > است و نه تنها سرکوب نمی شود بلکه مورد قبول و توصیه سرمایه داری حاکم و دولت آن (مثل آقای نجم الدین) نیز هست. در حالی که سندیکا نه تنها بخت و اقبال < خودی > بودن را ندارد، بلکه به علت < غیر خودی > بودن، سرکوب هم می شود." "الله اعلم".

*

منظور من البته از بیان این مطالب و این عبارات در این جا، این نیست که از سندیکا، به مثابه تنها بدیل تشکل یابی کارگران دفاع کرده باشم. من سندیکا را بی بدیل نمی دانم و به هیچ وجه آن را به عنوان مثال، بر یک "تشکل شورایی کارگری" که با همت و قدرت جمعی و متحد کارگران تشکیل شده باشد و قادر به اعمال اراده مستقیم توده های کارگر علیه سرمایه باشد، ترجیح نمی دهم. بگذریم از اینکه سندیکا هم اگر ساختاری شورایی داشته باشد و از پایین و با اتکا به نیرو و قدرت اراده کارگران و توانایی های خود آنان - و نه دخالت ها و اعمال نظر صاحبان سرمایه و قدرت - تشکیل شده باشد، می تواند به مثابه ظرفی برای تشکل یابی کارگران و به کرسی نشاندن پاره ای از خواست ها و مطالبات آنان - به ویژه در شرایط کنونی - مورد استفاده قرار گیرد و امر تشکل یابی کارگران را گام هایی به جلو سوق دهد. من حتی قصد مقایسه این دو تشکل (شورا و سندیکا) را هم در اینجا و هر جای دیگر ندارم. این تشکل ها هر کدام جایگاه و ملزومات خاص خود را دارند که می توانند بسته به وضعیت جامعه، توازن قوای سیاسی و طبقاتی و در این رابطه موقعیت جنبش کارگری، شرایط عینی و ذهنی کارگران و نوع تشکل یابی و ساختار تشکیلاتی تشکل مورد نظر و... حسب مورد، برای پیشبرد برخی از مسائل جنبش کارگری، از جانب کارگران مورد استفاده قرار گیرند.

منظور من در این جا بیشتر این است که نشان دهم که این به اصطلاح تشکل کارگری، که نام خود را نیز "کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری" گذاشته است، تا چه حد، حتی در همین زمینه (تشکل یابی کارگران)، دچار گیج سری و سردرگمی است. هنگامی از "شوراهای ضد سرمایه داری طبقه کارگر ایران" ! تحت هر شرایط و موقعیتی صحبت به میان می آورد و به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی به کمتر از آن رضایت نمی دهد و در وقتی دیگر، بدون هیچ توضیح و تفسیری، تنها با یک چرخش قلم "این گونه تشکل های شورایی را در سرمایه داری ایران، به ویژه در مراکز کار و تولید (!!!؟) پس تا به حال، برای کدام کشور و کدام مراکز حرف می زدید و یکی پس از دیگری رهنمود صادر می کردید (!!!؟) تا آن زمان که فضای استبدادی حاکم بر جامعه ترک بر ندارد و این ترک، مجرای برای سرریز و حضور توده ای کارگران در صحنه مبارزه سیاسی ضد سرمایه داری فراهم نکند، منتفی می داند". !!! (یاد آوری دو نکته مهم برای سازمان یابی شورایی کارگران - نامه شماره ۱۳۰) زمانی از "تشکل های شورایی طبقه کارگر ایران" در هر اوضاع و احوالی سخن می گوید و هیچ پیش شرط و پس شرطی هم برای آن قائل نمی شود و زمانی دیگر، به ناگهان - و البته با توجیهاتی به غایت فرصت طلبانه و در عین حال مضحک - سر از "شورای اسلامی کار" به

مثابه تشکلی دولتی و سرسپرده در می آورد. گاه به نقل از یک نامه سرتا پا جعلی و ساختگی، که مثلاً از زبان یک کارگر، در سایت "سلام دمکرات" جعل شده است (دوست مان محمد رضا چالشگر، در نوشته ای که تحت عنوان "در دفاع از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" انتشار داده است به این دروغ پردازی و متعاقباً سوء استفاده همین "کمیته" از آن نیز اشاراتی دارد. این نوشته هم اکنون در آرشیو سایت "کمیته هماهنگی برای کمک . . ." موجود است.) (فعالینی را که بر اساس وظیفه کارگری و طبقاتی خویش، برای انتقال تجربه و کمک به امر تشکل یابی مستقل و حقیقتاً ضد سرمایه داری کارگران) تشکل های مستقل از دولت، کارفرمایان و نهادهای متعدد و رنگارنگ سرمایه (به میان آن ها می روند تا کارگران را در حد توان، احیاناً از شر ایجاد تشکل های تا مغز استخوان وابسته و ضدکارگری مثل همین "شورای اسلامی کار" نجات دهند) تا آن جا این فعالین، به نوعی همین کار را در هفت تپه انجام دادند) "مشتی اصحاب فرقه، که در جستجوی منافع محقر و سکتی خویش، حریم جنبش ضدسرمایه داری کارگران را آماج دخالت خود می سازند" و "در همه جا به سلاخی هر جنب و جوش ضدسرمایه داری کارگران دست می یازند" و . . . جلوه می دهد و به القابی چون: "سکت"، "فرقه گرا" رفرمیست راست"، "رفرمیست چپ"، "سندیکالیست"، "سندیکالیست رفرمیست" و انواع و اقسام این قبیل کلمات و مفاهیم مزین می کند. و زمانی دیگر، در استقبال از "موافقت ظاهری و ریاکارانه یک هفت خط حامی سرمایه از "شورای اسلامی کار"، نوق زده می شود و با دستپاچگی هر چه تمام تر به کارگران رهنمود می دهد که: شما موفق شده اید. "برگ برنده ای اکنون در دست های شماست". از این فرصت استفاده کنید و آنچه را که از شوراهای واقعی کارگری، مورد نظر دارید، در عمل پیاده کنید. "!!!؟ در جایی، تشکلی کارگری را که کارگران با خون دل و تلاش و فعالیت بسیار، رو در رو با عوامل سرمایه و با اتکا به نیرو و توانایی های کارگری خود، از پایین ایجاد کرده اند، از جمله به خاطر وجود کارگری رفرمیست و سندیکالیست و . . . در میان نمایندگان آن) بالکل باطل اعلام می کند و در حساس ترین لحظات مبارزه و درگیری این تشکل با عوامل رنگارنگ و متعدد سرمایه در منطقه، به شدت مورد تخطئه و تحقیر قرار می دهد:

" . . . سندیکای نیشکر هفت تپه در این گذر طفل یکشبه ای را می ماند که ره صد ساله می رود. این سندیکا در همین مدت کوتاه به سرمایه داران و به دولت سرمایه داری ثابت کرده است که فقط نقش خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را ایفاء خواهد کرد. . . . "

" این هر دو سندیکا عملاً هیچ کاری درمورد نیای عظیم شدت استثمار و مشکلات و بی حقوقی های کارگران نکرده اند، در حالی که هر دو با بدیل قرار دادن خویش برای مبارزات کارگران عملاً خطر این مبارزات را از سر دولت سرمایه داری و صاحبان سرمایه کوتاه کرده اند. "!!!؟"

و یا "سندیکای هفت تپه را نیز می بینیم که چگونه به تعطیل مبارزات کارگران افتخار می کند. " و . . . و در جایی دیگر با ایجاد توهم نسبت به همان تشکل های فریبکار و آبروبخته و پاشیدن خاک در چشم توده های کارگر، در صدد قالب کردن "شورای اسلامی کار" می برمی آید که به قول خودش در زمانی پیش تر "با توجه به ماهیت کاملاً ضد کارگریش و نقشی که در سرکوب جنبش کارگری ایفا کرده است، دیگر در بسیاری از موارد، قادر به اجرای رسالت خود نیست". گاه اسم و فقط اسم یک تشکل را مبنای قضاوت برای تشکل یابی کارگران قرار می دهد و می گوید: "سندیکا، پدیده بسیار شناخته شده و آشنایی است. . . و مستقل از این که اعضای تشکیل دهنده آن می دانند یا نمی دانند، می خواهند یا نمی خواهند - تشکیل می شود تا مبارزات ضدسرمایه داری کارگران را در هم بکوبد. . . سندیکا و جنبش سندیکایی و اتحادیه ای هیچ تعریف واقعی دیگر و هیچ نقش و رسالت و فلسفه وجودی دیگری غیر از این ندارند. . . و اگر بخواهد جز این باشد به هیچ وجه از سوی سرمایه داران و دولت آن ها مورد قبول واقع نمی شود. " و . . . و زمانی دیگر و در جایی دیگر می گوید: "تا آنجا که به اسم این تشکل مربوط می شود، مهم نیست که اسم آن شورای اسلامی کار باشد یا چیز دیگر". در یک جا - البته به درستی - رفرمیسم عریان، بی پرده و وقیح رضا رخشان، رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را در همسویی با جناحی از سرمایه و شفیعی، مدیر عامل کارخانه، به باد انتقاد می گیرد و در جایی دیگر و موقعیتی دیگر، با امثال همین شفیعی ها - یعنی نجم الدین، یکی از مکارترین نمایندگان سرمایه در شرکت ایران خودرو - لااقل در زمینه تشکل یابی کارگران - همسو و همراه می شود. یکبار، بدون توجه به شرایط و اوضاع و احوال جامعه و بسیاری از پارامترهای مهم و تعیین کننده (مثل توازن قوای طبقاتی و سیاسی و موقعیت عینی و ذهنی کارگران و . . .) در برج عاج "رادیکالیسم ضدسرمایه داری" و "شوراهای ضدسرمایه داری طبقه کارگر ایران" و . . . خود نشسته و به پایین نگاه هم نمی کند. و بار دیگر، به ناگهان طرفدار "شورای اسلامی کار" و "استفاده از این فرصت برای

پیاده کردن آنچه که از شورای واقعی کارگری، مورد نظر است، می شود " و " نفس قبولاندن تشکل کارگری به این مزدور سرمایه را حتی به صورت وعده تشکیل آن (!!!؟) یک قدم به پیش می داند " و تأسف بار تر اینکه، کارگران را نیز به شرکت در آن تشویق و تهییج می نماید " !!! و الی آخر .

فقط لحظاتی تصور کنیم که بخش هایی از طبقه کارگر - مثلاً همین کارگران نیشکر هفت تپه - راضی شوند که به رهنمود های این به اصطلاح تشکل کارگری بها داده و به آن ها عمل کنند . چه کار باید بکنند ؟ به توصیه " تشکل ضدسرمایه داری طبقه کارگر ایران " جامه عمل بپوشانند و یا اینکه تشکیل " شورای اسلامی کار " را به مثابه تشکلی دولتی و وابسته به سرمایه، در دستور کار خود قرار دهند و منتظر بمانند " تا استبداد از کشور رخت بریندد و فضای جامعه ترک بردارد و . . . ؟ بالاخره باید دنبال کدام گزینه بروند ؟ این یا آن ؟ اینها و بسیاری دیگر، البته تماماً نشانه گیج سری و سردرگمی جریانی است که چند سال آزرگار، به جای برخوردی صبورانه، متین عینی و آگاه، و نه صرفاً رمانتیک و نیک اندیشانه، در جنبش کارگری ایران دست و پا می زند و جا و بی جا، و وقت و بی وقت توهمات و در بهترین شرایط آرزو های خود را در قالب رهنمود و توصیه و پند و اندرز، به هر طرف می پراکند، بدون اینکه مسئله حتی برای خودش روشن باشد . کارگران پیشکش شان .

این ها و بسیاری دیگر البته تماماً حکایت از آن دارند که این " کمیته " و به ویژه نویسنده اطلاعیه مورد نظر، بیشتر در عالم تخیلات و رویاهای خود سیر و سلوک می کند، تا عالم واقعیت و

نگاهی به همین فراخوان " شرکت کارگران در شورای اسلامی کار و استفاده از فرصت، برای پیاده کردن آنچه مورد نظر دارند " که با توجه به نقطه نظرات این " کمیته " قطعاً نباید چیزی جز اهداف " ضد سرمایه داری شوراهای طبقه کارگر ایران " باشد به عنوان یک نمونه از رویا پردازی های این " کمیته "، منظور ما را تا حدودی روشن می کند . به عنوان مثال، نویسنده اطلاعیه " کمیته هماهنگی برای ایجاد . . . " جوری از " تشکل شورایی توده کارگران ایران خودرو - حتی تحت نام شورای اسلامی کار -) تشکل شورایی، تحت نام " شورای اسلامی کار " (!!!؟) و " استفاده از فرصت برای پیاده کردن آنچه را که از شورای واقعی کارگری مورد نظر دارند " (فتح از درون) سخن به میان می آورد که تو گویی عوامل و گماشتگان سرمایه - همان مکارانی که می دانند چگونه در یک اجتماع چند هزار نفره از کارگران معترض و خشمگین، تنها حرف تحویل کارگران بدهند و حتی اطلاعیه نویس این " کمیته " را نیز بفریبند - در تمام این مدت، که کارگران دارند مبارزه ضد سرمایه داری می کنند و در حال فتح این تشکل دولتی و وابسته، از درون هستند، آن جا بی کار نشسته و تنها شاهد و ناظر بی طرف این فتح الفتوح خواهند ماند . او می گوید : " . . . کارگران باید بتوانند با این برگ برنده (منظور ادعای صرف و بی پایه و فربکارانه نجم الدین مدیر عامل " مزدور " و ضد کارگر کارخانه است) خوب بازی کنند . " و منظور وی البته از " خوب بازی کردن کارگران، با این برگ برنده " این است که در " شورای اسلامی کار " پیشنهادی نجم الدین، شرکت کنند و به تدریج آن را به تصرف درآورند . غافل از اینکه صاحبان سرمایه و حامیان آنان، در واقع وظایف و اختیاراتی را برای " شورای اسلامی کار " و شرایطی را برای " کاندیداهای عضویت در این "شورا" و نه تازه انتخاب شوندگان آن، در قانون کار پیش بینی کرده اند که به احتمال قریب به یقین، انتخاب نمایندگان واقعی کارگران را در چنین شورایی منتفی می سازد .

یادمان باشد که ما داریم در مورد کارخانه ای صحبت می کنیم که به اصطلاح " سرپا " و در حال تولید بوده و از قبل تحمیل شرایط بسیار سخت و نا امن کار به کارگران و در نتیجه به خطر انداختن زندگی و سلامتی آنان، که از جانب سرمایه و گماشتگانی مثل نجم الدین، متوجه کارگران می شود، پی در پی در حال شکستن رکورد تولید خودرو در کارخانه بوده و از جمله به همین دلایل، همواره در معرض نگاه و توجه بسیاری از دولتمردان و مقامات امنیتی کشور قرار داشته است . و این البته فرق می کند با شرکت ها و کارخانه های بحران زده، تعطیل و یا نیمه تعطیلی که این " کمیته " در اطلاعیه خود با استناد به آن، ایجاد " شوراهای اسلامی کار " و یا شرکت در آن را در شرایط و احوال موجود، برای این کارخانه مجاز اعلام می نماید : " . . . اسم تشکل کارگران نساجی کردستان در سندیج هم شورای اسلامی کار بود . اما همان شورای اسلامی کار نقش مهمی در مبارزات کارگران آن کارخانه داشت . . . " .

وانگهی ، هم اکنون ، نزدیک به شش سال از " اعتصاب پر قدرت دو ماهه " ، در آن کارخانه بحران زده ، " تحت رهبری یک چنین تشکلی ("شورای اسلامی کار ") می گذرد . در طول این مدت تعداد زیادی از کارخانه ها و مراکز کار و تولید ، به دلایل مختلف و مهم تر از همه به خاطر زیاده طلبی ها و حرص و ولع پایان ناپذیر سرمایه داران و . . . - به تعطیلی کشانده شده و فقر و فلاکت عظیم و مضاعفی را دامنگیر طبقه کارگر ایران نموده اند ، که همین مسئله به نوبه خود ، کارگران زیادی را به جریان فعالیت و مبارزه سوق داده و رشد و گسترش مبارزات بخش های مختلف این طبقه را در اقصی نقاط ایران موجب گشته است . "شوراهای اسلامی کار" به عنوان تشکلی دولتی و وابسته به سرمایه ، در تمامی این موارد و در همه جا و همه حال ، در مقابل توده کارگران و مبارزات آنان - که عمدتاً مسائل و خواست های اقتصادی و معیشتی را نشانده رفته بود - قرار داشته و به غیر از مواردی معدود ، آن هم صرفاً در کارخانه های بحران زده - اعم از تعطیل یا نیمه تعطیل ، مثل همین نساجی کردستان ، - در بقیه موارد ، کاری جز جاسوسی و کارشکنی در ارتباط با مبارزات کارگران و ایجاد سد و مانع در برابر آنان انجام نداده اند .

" کمیته هماهنگی برای ایجاد . . . " نیز تا مدت ها بعد از آن تاریخ ، " نوشته هایی را در مذمت و تقییح " شورای اسلامی کار " به مثابه تشکلی "دولتی و وابسته" انتشار داده است و از جمله معتقد بوده است که : " . . . " شورا های اسلامی کار ، به مثابه تشکل هایی دولتی ، دیگر افشا شده اند و قادر به فریب توده های کارگر نیستند ."

حال چطور شده است که این " کمیته " در یکی از بهترین شرایط ممکن برای به کرسی نشاندن خواست ها و مطالبات کارگران ، از جمله ایجاد تشکلی مستقل و متکی به خود ، به ناگهان ، آن هم بعد از وعده سرخرمن نجم الدین مدیر عامل کارخانه ، دایر بر ایجاد " شورای اسلامی کار " ، برای شش ماه دیگر ، در صدد مخدوش کردن مرز میان تشکل های واقعی کارگری و تشکل های وابسته و دولتی ، برآمده و به این نتیجه رسیده است که : " تا آنجا که به اسم این تشکل مربوط می شود مهم نیست که اسم آن چه باشد . . . نفس قبولاندن تشکل کارگری ، به این مزدور سرمایه ، حتی به صورت وعده شورای اسلامی کار هم یک قدم به پیش است " . چرا که " اسم تشکل کارگران نساجی کردستان در سندج هم شورای اسلامی کار بوده است " و . . . !!!

و به راستی چه خوب گفت یکی از رهبران کارگران که : " اپورتونیسیم (فرصت طلبی) عبارت است از تعیین روش خود ، از واقعه ای تا واقعه دیگر ؛ تطبیق حاصل کردن با حوادث روز و با تغییرات وارده در جزئیات سیاسی ؛ فراموش کردن منافع اساسی کارگران و خصایص اصلی کلیه رژیم سرمایه داری و کلیه تکامل تدریجی سرمایه داری ؛ فدا کردن این منافع در مقابل منافع آنی واقعی یا فرصی . . . و هر مسئله ای که تا حدی تازگی داشته باشد ؛ هر تغییری در حوادث که کمی غیر منتظره و پیش بینی نشده باشد ؛ و . . . " و اگر این ها همه ، به نوعی فرصت طلبی آشکار و اپورتونیسیم (" تعیین روش ، از واقعه ای تا واقعه دیگر ") نیست پس چیست ؟

*

بی مناسبت نیست در همین جا به گوشه هایی - و البته فقط به گوشه هایی - از شرایط تشکیل " شورای اسلامی کار " اشاره کنیم ، تا به ویژه ساده لوحانی که استفاده از شرکت در چنین تشکل هایی را به کارگران توصیه می کنند ، تا حدودی به خود آیند و یا لاف از این پس در صدد ارائه چنین رهنمود های مشعشی به کارگران نباشند و در بهترین شرایط ، آن ها را پیش خود نگه دارند .

می دانیم که " شورای اسلامی کار " یکی از " سه مورد " مجاز و پذیرفته شده سرمایه و قانون کار آن ، برای تشکل یابی کارگران ، " به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور . . . به انتخاب مجمع عمومی و نماینده مدیریت " واحد ، می باشد . (تبصره ۴ ، ماده ۱ ، فصل اول از بخش شوراهای اسلامی کار و ...)

بند (ه) از ماده ۱۳ این بخش از این قانون ، وظایف و اختیارات " شورای اسلامی کار " را اینگونه توضیح می دهد : " همکاری با مدیریت ، در تهیه برنامه ها ، به منظور پیشبرد امور هر واحد " . آیا کارگران می خواهند که به پیشنهاد مدیریت کارخانه ، مبنی بر ایجاد " شورای اسلامی کار " گردن نهند و پس از سال ها دور بودن از یک تشکل واقعی کارگری ، مجدداً به ایجاد تشکلی رضایت دهند که صرفاً مجری اوامر مدیریت ، برای پیشبرد مسائل آنان باشد ؟ آیا کارگران می خواهند تا به ویژه در شرایط حساس و تعیین

کننده کنونی، در مورد یکی از مهم ترین خواست ها و مطالبات کارگران در سال های اخیر، بار دیگر پای تشکلی را به کارخانه باز کنند که جز همکاری طبقاتی میان کارگران و کارفرمایان، حرف دیگری برای گفتن ندارد؟

بگذریم از اینکه، برای ایجاد تشکلی با نام "شورای اسلامی کار"، نیازی به اجتماعی از کارگران معترض و طرح خواسته های آنان، به صورت ضرب العجلی، نبود!! ماده ۱۵ همین بخش از قانون کار، "وزارت کار را موظف کرده است در واحد هایی که بیش از ۳۵ نفر شاغل دائم دارند، به تشکیل شورای اسلامی کار اقدام نماید."

بند(ج) از ماده ۲ این بخش از قانون کار: "اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" را، جزء "شرایط کاندیداهای عضویت در شورای اسلامی کار" و نه انتخاب شوندهگان، بر شمرده "و متعاقباً در تبصره ای در همین ماده قانونی، "تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در این شوراهای را، در چارچوب شرایط مذکور در ماده فوق، برعهده هیاتی مرکب از: ۱- نماینده وزارت کار. ۲- نماینده وزارت خانه مربوطه. / و ۳- نماینده منتخب مجمع کارکنان" می گذارد. و این، به زبان ساده یعنی اینکه: کارگری را که می خواهد فقط کاندیدای عضویت در این شورا بشود، تا پیگیر مسائل و مشکلات کارگران در کارخانه باشد، اول باید "اعتقاد و التزام و وفاداری خود را به موارد یاد شده در بند ج اعلام نموده و تازه پس از آن، منتظر بماند تا این "اعتقاد و التزام و وفاداری" از طریق هیات یاد شده (نماینده وزارت کار، نماینده وزارت خانه مربوطه و نماینده منتخب مجمع کارکنان) تأیید و تصدیق شود و به اصطلاح، احراز گردد!!!! و "تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل."

گذشته از همه این ها، "شورای اسلامی کار" حدود ۳۰ سال است که در بسیار از کارخانه ها و مراکز کار و تولید، در معرض نگاه و قضاوت کارگران بوده است. و خود کارگران بهتر از هرکس و هر جریانی، این نهاد تا مغزاستخوان وابسته به سرمایه را می شناسند و با آن آشنایی دارند. کارگران در طول تمامی این سال ها، همواره رو در روی این نهاد بوده و چیزی جز "پاچه خواری" برای مدیریت و گماشتگان سرمایه و جاسوسی علیه کارگران، از آن ندیده اند. به عنوان نمونه، "شورای اسلامی کار" در شرکت واحد اتوبوسرانی و شرکت نیشکر هفت تپه، کار را به جایی رساند که کارگران این شرکت ها از هر چه نام "شورا" است بیزار شده اند و متأسفانه با این پیش زمینه منفی، نسبت به شوراهای واقعی و منتخب کارگران، به مثابه یکی از عالی ترین و دموکراتیک ترین شکل تشکلی یابی کارگران، قضاوت می کنند. این نهاد به اصطلاح کارگری، طی سال ها فعالیت در این دو شرکت (و البته اکثریت قریب به اتفاق شرکت ها و کارخانه ها) نه تنها هیچ قدم مثبتی در راستای احقاق حقوق و منافع کارگران برنداشته، بلکه همان گونه که اشاره شد، در همه جا، رو در روی کارگران قرار گرفته و بر ضد منافع و خواست های این طبقه اقدام کرده است. بی جهت نیست که امروزه هیچ یک از گرایشات و جریان های درون جنبش کارگری، حتی راست ترین آن ها، توانایی دفاع علنی و آشکار از این نهاد و ارگان ساخته و پرداخته دست سرمایه داران را ندارند. این به اصطلاح "شوراهای"، امروزه در نزد کارگران و فعالین همه گرایشات جنبش کارگری از هیچ جایگاهی برخوردار نیستند.

و تأسف بار اینکه "کمیته هماهنگی برای ایجاد... " درست در یک چنین شرایطی، به بهانه "موافقت مدیر عامل ایران خودرو با خواست کارگران برای ایجاد تشکل"، به دفاع از این تشکل منفور و مضمحل شده در میان کارگران و جنبش کارگری اقدام می کند و طی اطلاعیه ای سر تا پا رفرمیستی و فرصت طلبانه، کارگران ایران خودرو را به شرکت در چنین تشکلی فرا می خواند و "به سهم خود نیز برای استفاده کارگران از این فرصت، آرزوی موفقیت می کند."

اطلاعیه نویس این "کمیته" جوری از "موافقت مدیر عامل ایران خودرو، با خواست کارگران، برای ایجاد تشکل" صحبت می کند و از این "موافقت" اظهار رضایت می نماید که انگار زمانی جزء تشکلی نبوده است که در سرلوحه اساسنامه آن جملاتی با این مضمون نقش بسته بود که: "امروزه حق ایجاد تشکل، یکی از بدیهی ترین و شناخته شده ترین حقوق مسلم کارگران در سراسر دنیاست. در دنیای امروز، کارگران تشکل های خود را با کسب اجازه از دولت ها ایجاد نمی کنند. آنان هر زمان که لازم ببینند به ایجاد تشکل های کارگری، بدون اجازه از دولت اقدام می نمایند..."

استدلال محوری وی نیز برای این کار البته این است که "نجم الدین، همین شورای اسلامی کار و وعده تحقق آن را در شش ماه آینده، تحت فشار کارگران پذیرفته... است." او در واقع می خواهد بگوید که این شورا با آن یکی "شورا" که همواره مورد تنفر و انزجار کارگران بوده

است فرق دارد. این را کارگران با قدرت، به سرمایه و عوامل او در کارخانه تحمیل کرده اند. اما او، در نظر نمی‌گیرد که اولاً این اعمال قدرت در چه فضا و اوضاع و احوالی صورت گرفته است و در ثانی - و این البته بسیار مهم است که - اگر کارگران تا این حد قدرت دارند - که به راستی دارند و این را در عمل نیز نشان داده اند - چرا با همان قدرت و اراده جمعی - همین حالا - برای مهیا نمودن شرایط و مقدمات کارِ برگزاری مجمع عمومی کارگران کارخانه و انتخابات آن، تشکل مورد نظر خود را با هر " آنچه که از شورای واقعی کارگری مورد نظر دارند " - عیناً مانند شرکت واحد و شرکت نیشکر هفت تپه - ایجاد نمی‌کنند و با همان قدرت و توان، به عوامل سرمایه تحمیل نمی‌نمایند؟ این ها همه نشانه آن است که " کمیته هم‌هنگی برای ایجاد ... " به آنچه را که خود می‌گویند هم پایبند نیست و به قول معروف: " زیاد حرف می‌زند، تا چیزی نگفته باشد. "

واقعیت اینکه کارگران ایران خودرو، اگر بخواهند از فرصتی که به جهت فاجعه دلخراش و اسفناک جان باختن و مجروح شدن تعدادی از همکارانشان در کارخانه برایشان پیش آمده است استفاده کنند و یکی از مهم ترین خواست ها و مطالبات به ویژه سال های اخیر جنبش کارگری و کارگران این کارخانه را متحقق کنند، باید آن کاری را بکنند که هم نجم الدین و هم " کمیته هم‌هنگی برای ایجاد... " آن را به فراموشی سپرده و یا فرصت طلبانه در مورد آن سکوت کرده اند. و آن اینکه: بدون اینکه کاری با نجم الدین و اعوان و تنصار او داشته باشند، پس از فراهم نمودن مقدمات کار، در اولین فرصت ممکن، تاریخ برگزاری مجمع عمومی را تعیین نمایند و انتخابات را در تاریخ تعیین شده برگزار کنند و از این طریق، تشکل مورد نظر خود را ایجاد نمایند. این عیناً همان مسیری است که کارگران شرکت واحد و نیشکر هفت تپه برای ایجاد تشکل کارگری مورد نظر خود طی کرده اند. کارگران ایران خودرو نیز می‌توانند از این راه به نتیجه برسند و نه راه کسب اجازه از امثال نجم الدین ها و وعده تشکیل آن برای شش ماه دیگر. چرا که در آن صورت تشکلی را هم که ایجاد کرده اند آن تشکلی نخواهد بود که " مورد نظر کارگران " بوده است و پر واضح است که چنین تشکلی، مشکلی را از آنان حل نخواهد کرد و کارگران را به سرمنزل مقصود نخواهد رساند. کارگران اگر می‌خواهند از مصائب و مشکلات فراوان و عدیده خویش رها گردند، به ویژه در شرایط کنونی، راهی جز این ندارند.

هیوا سرمد - ۱۳۸۹/۱۱/۱۶

کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل کارگری